

هو العلم

دوره سطوح عالی و تمهید خارج مؤسسه فرهنگ و تمدن توحیدی



معرفی دوره



معاونت تعلیم و تربیت مؤسسه فرهنگ و تمدن توحیدی

فهرست مندرجات

۳	مقدمه
۳	تعریف مؤسسه فرهنگ و تمدن توحیدی
۳	راهبرد تحقق هدف مؤسسه: حل مسئله‌های تمدنی
۳	مسئله تمدنی منتخب: نهضت گفتمان سازی مکتب امام(ره)
۴	الگوی مدیریتی خلق جریان مورد نظر: رهبری فرهنگی
۵	وظیفه‌ی دستگاه تعلیم و تربیت مؤسسه
۸	فقه
۸	اصول
۱۰	حکمت
۱۱	راه طلبه
۱۲	کلام انقلابی
۱۶	برنامه کلام انقلابی

تعریف مؤسسه فرهنگ و تمدن توحیدی

«فرهنگ و تمدن توحیدی» نام مؤسسه‌ای راهبردی است که علاقه‌مند است بر اساس تعریفی غنی شده که با نگاه سخت‌گیرترین اسلام‌شناسان روزگار ما صورت بسته، برآید.

«این مجموعه خود را موظف به طراحی و ایجاد یک «جریان بالنده اجتماعی با هویت فرهنگی» که «امتدادی از دانش حوزوی تا عینیت اجتماعی» داشته باشد، می‌داند.»

- جریانی ناظر به مطالبات نهضت تمدن‌سازی اسلامی (با دغدغه محوری بسط توحید در جانها و جوامع بشری)؛
- با تأمین زیرساختهای مناسب و کافی فکری، فرهنگی، تربیتی و اجتماعی؛
- با مددگیری از یک نگرش ناب و کاربردی توحیدی که از رویکرد جدی تربیتی و افقی تمدنی و نگاهی ریشه‌ای به مقوله فرهنگ برخوردار است؛
- با تکیه بر حوزه علمیة شیعه و دارائیهای اصیل آن؛
- و تشکیل پیوستاری متماسک و دارای آرایشی عملیاتی، از نیروهای اصیل انقلابی، از «مراجع علمی- معنوی»، «شبکه نخبگانی» و «فضای تحول‌خواه» گرفته تا دیگر لایه‌های انسانی در محیطهای مختلف اجتماعی؛
- و گونه‌ای از تمرکز بر روش «الگوسازی» با قرائتهایی نو از آن؛
- و نگاهی مؤثر و مستمر به شکل‌گیری «نهاد رهبری فرهنگی معنویت‌گرا» با فراهم آوردن تمهیدات لازم برای آن، دارد.

راهبرد تحقق هدف مؤسسه: حل مسئله‌های تمدنی

راهبرد رقم زدن این جریان اجتماعی حل مسأله است، نه صرفاً وعظ و خطابه یا کار تربیتی. در حل مسأله نیز نگاه ما به مسئله‌های تمدنی است نه صرفاً مسائل خرد؛ باور ما این است که اگر نخبگان انقلابی و کسانی که به پا می‌خیزند با قوی‌ترین نگاه‌ها و روحیه‌ها و امیدهای بالا و ایده‌های خلاقانه به حل مسئله‌های واقعی انقلاب اسلامی بپردازند، یک جریان حل مسأله (یعنی اعمال اراده انقلابی) شکل می‌گیرد و در جامعه مستعد ما مورد استقبال واقع می‌شود و فراگیر می‌شود.

مسئله تمدنی منتخب: نهضت گفتمان سازی مکتب امام(ره)

ما نیز به حسب وظیفه به مسائل تمدنی متعددی اندیشیده‌ایم و شماری از آنها را مناسب موقف خویش دیده و به برخی از آنها مقداری پرداخته‌ایم، اما از بین همه این‌ها یکی از آن‌ها را به عنوان مأموریت خود برگزیده‌ایم. این مسئله‌ی تمدنی منتخب «نهضت گفتمان سازی مکتب امام ره» است.

آنچه توانست پشتوانه شکل‌گیری انقلاب با عظمتی به نام انقلاب اسلامی ایران واقع شود و انضباط بالا و قدرت پاسخگویی به نیازهای نو به نوبت نهضت را تأمین کند مکتب سیاسی حضرت امام بود. امام با این نسخه شفاف‌بخش در شرایطی پا به میدان گذاشت که ایران

^۱ «برای اینکه تفکر انبیاء در جامعه پیاده شود، یک حرکت بلندمدت و طولانی لازم بود. این انقلاب با این هدف به وجود آمد. جامعه‌ی اسلامی، کشور اسلامی، نه فقط دولت اسلامی، نه فقط تشکیل یک نظام اسلامی، بلکه تشکیل یک واقعیت و یک مجموعه مردمی که بر اساس تعالیم اسلام - که لب لباب تعالیم انبیاء است - زندگی می‌کنند و آثارش را احساس می‌کنند. این هدف ماست.» (بیانات در دیدار دانشجویان سراسر کشور، ۱۳۸۷/۰۷/۰۷)

اسلامی و حوزه‌های علمیه با تمام دارائیهایی که داشت معطل مانده بود و نمی‌توانست از سرمایه‌های خود استفاده کند و در یک انفعال محض، خود و اسلام را زیر پنجه‌های بی‌رحم طاغوت زمانه، رو به اضمحلال قطعی می‌دید. یکی از نقش‌های بی‌بدیل امام احیای تمام این سرمایه‌ها بود. به همین جهت مکتب امام مکتب احیای اسلام و الگوی بهره‌برداری از منابع و سرمایه‌های وسیع معرفتی، فرهنگی، انسانی، جغرافیایی و ... بود.

همانطور که انقلاب اسلامی در حدود خود محتاج یک پشتوانه تئوریک به عظمت خود انقلاب بود، و آن پشتوانه تئوریک مکتب امام و اندیشه‌ای بود که ایشان ارائه فرمودند، در بقاء و ادامه انقلاب نیز ما محتاج این اندیشه هستیم.

برای اینکه مکتب امام در جایگاه خود که پشتیبانی نظری و عملی از انقلاب اسلامی است قرار بگیرد، «نهضت گفتمان‌سازی مکتب امام ره» پیشنهاد می‌شود، این پیشنهاد دارای ویژگی‌های چندی است:

- بسیار در دسترس نیروهای ارزشی است؛
 - بسیار قدرتمند و اثرگذار است (حتی مخالفان را همراه می‌کند)؛
 - باعث به وفاق رسیدن جامعه بزرگ نیروهای حزب اللهی می‌شود؛
 - باعث بهتر فهمیدن راه و به صورت مستدل فهماندن به نیروها می‌شود؛
 - باعث همراهی بیشتر ایشان با مقام معظم رهبری حفظه‌الله تعالی می‌شود؛
 - باعث خرق تدریجی و پیروزمند پارادایم تحجر و التقاط و خلق پوشش معنایی نوینی برای حرکت به سمت نوآوری‌های پرشمار علمی در تلائم با حرکت تمدنی ملت ایران می‌شود؛
 - باعث رشد این نیروها و گستردن میدان دید و یافتن راه حل‌های جدید می‌شود؛
 - باعث زنده‌تر و مؤثرتر به میدان آوردن شخصیت امام می‌شود؛
 - عامل نیرومندی برای به میدان آوردن نیروهای مردد خواهد بود؛
 - عامل ایجاد احساس قوت و این که ما بی شماریم در نیروهای انقلاب، خواهد بود؛
 - بهانه ای خوب و بدون مقابله برای حضور در میدان و اثرگذار بودن است؛
 - در صورت ورود دشمن در میدان مقابله باعث تقویت ورود ما خواهد شد؛
- مهمتر از همه باعث اتصال به یکی از راهبردی‌ترین ضرورت‌های انقلاب در این زمان بلکه هر زمان خواهد شد،

الگوی مدیریتی خلق جریان مورد نظر: رهبری فرهنگی

الگوی مدیریتی خلق این جریان «رهبری فرهنگی» است، رهبری لایه‌ای بالاتر از مدیریت است. مدیر معطوف به صحنه است، هدف گذاری می‌کند، ظرفیت‌ها و امکانات را ارزیابی می‌کند، تدبیر می‌کند، نقشه می‌کشد و نقشه را تحویل نیروی انسانی می‌دهد، به واسطه مطالبه‌گری از نیرو انسانی او را به عمل می‌کشاند، و در پایان ارزیابی می‌کند و در هر مرحله‌ای که اصلاح نیاز بود، اصلاح و اگر اصلاح نیاز نبود همان چرخه را دوباره تکرار می‌کند. اما رهبر سمت و سوهای واجب اجتماعی را تشخیص می‌دهد و آنها را به عنوان مقاصد جامعه در نظر گرفته و جامعه را به سمت این مقاصد هدایت می‌کند (یک قبله اجتماعی درست می‌کند) و با موانع پی در پی که در مسیر ایجاد می‌شود درگیر می‌شود و خود و جامعه را از غلطیدن در ورطه‌های هلاکت در مسیر آن مقاصد و آرمان‌ها نجات می‌دهد.

رهبری در واقع سررشته‌داری تحولات اجتماعی است. رهبر در شما آرمان‌خواه‌ترین و ارزش‌گراترین شخصیت‌های یک کشور است. رهبر آن قدر با این مقاصد انس داشته است و آن قدر در نوسانات متعدد حیات بشری به ریسمان این آرزوها چنگ زده است که هویتی منطبق بر این مقاصد یافته است. خود این یک تحول بزرگ انسان است و رهبر به واسطه‌ی تمرکزی که بر مقاصد و چهارچوب ارزشی دارد اولین خدمت زیرساختی او به جامعه‌ی و امت خویش همین تحول شخصیتی خود اوست.

اگر عناصر و مؤلفه‌های روح و هویت ساز انسانی را معارف، بینش‌ها، گرایشها، خلیات، عادات، ترسمات و نهایتاً الگوی زندگی بدانیم؛ فرهنگ همین مؤلفه‌های روح و هویت‌ساز انسانی است که تبدیل به پدیده‌ی اجتماعی شده است. فرهنگ به شدت از باورها و ذهنیت‌های مردم تغذیه می‌کند، به همین دلیل یکی از اقدامات مؤثر در ایجاد یا تغییر یک فرهنگ تغییر ذهنیت مردم است.

رهبری فرهنگی یکی از گونه‌ها و حوزه‌های رهبری است، رهبری فکری، رهبری سیاسی و ... گونه‌های دیگر رهبری است. چون رهبری سر رشته داری تحولات اجتماعی است، رهبر عطش‌های فکری، فرهنگی، سیاسی و ... جامعه را نگاه می‌کند، تحلیل می‌کند، نارسایی‌هایی که در آن عرصه هست را می‌بیند و روی رفع آن نارسایی‌ها کار می‌کند. مبالغی از رهبری فرهنگی در همه‌ی گونه‌های رهبری به‌وضوح حضور دارد و نقش مهمی نیز ایفا می‌کند، اما رهبری فرهنگی تمرکزی تخصصی بر مقوله‌ی فرهنگ و مناسبات فرهنگی دارد و بدین‌وسیله صحنه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همانطور که ذکر شد فرهنگ به شدت از ذهنیت جامعه متأثر است، لذا اهتمام رهبران فرهنگی برای اثرگذاری رهبرانه در عرصه فرهنگ بر تغییر دادن ذهن جامعه است.

وظیفه‌ی دستگاه تعلیم و تربیت مؤسسه

با عنایت به این مأموریت و مسئله‌ی تمدنی منتخب و الگوی مدیریتی پیگیری آن، دستگاه تعلیم و تربیت مؤسسه باید بتواند خروجی‌هایی را تربیت کند، که بتوانند در افق مدیریتی شکل‌گیری این جریان قرار بگیرند؛ به عبارتی خروجی دستگاه تعلیم و تربیت مؤسسه بایستی تربیت «رهبران فرهنگی» باشد.

«رهبران فرهنگی» در دو برش شخصیتی ۱. «حکیمان فقیه جامعه‌ساز» و ۲. «پژوهشگران مربی مبلغ» هستند. در برش اول به دارائیهای دانشی معقول و منقول او بعلاوه توانایی ویرایش‌های اجتماعی و تعلق و اتصال به عینیت اجتماعی و نشانه گرفتن اصلاح اجتماعی اشاره می‌شود و در برش دوم به کارکردهای سه‌گانه خلق‌کننده محتوا بودن، و در کار تربیت کادر حرکت بودن و مستقیماً درگیر جامعه‌سازی از ناحیه فرهنگ بودن توجه شده است.

از نظر سبک زندگی «رهبران فرهنگی» زندگی‌ای مأموریت‌گرا دارند، مأموریت خود را رهبری فرهنگی قرار می‌دهند، و ضرورت‌های راهبردی اجتماعی متناسب با این مأموریت را تشخیص و به شکل تخصصی اقدام به حل آن مسئله با ابزارهایی که در اختیار دارند می‌کنند. («گفتمان سازی» و «الگوسازی و مدیریت الگوبرداری»). طلبه‌ای که می‌خواهد رهبر فرهنگی باشد، باید سه مطلوبیت را در زندگی خود جمع کند؛

۱- رشد جامع (در ابعاد مختلف معرفتی، اخلاقی، علمی، اجتماعی، هنری و جسمانی)

۲- رسیدگی به خانواده (خانواده رکن زندگی و پشتیبان حیات اجتماعی انسان است و عدم رسیدگی به آن حیات اجتماعی رهبران فرهنگی را با خطر رکود و حتی تحریف هویتی مواجه می‌کند و بدون تردید توان رزم او را می‌کاهد).

۳- خدمات اساسی اجتماعی (پژوهش، طلبه پروری، تبلیغ)

اصطلاحاً سبک زندگی کسی که می‌خواهد رهبر فرهنگی باشد، باید هم طرح رشد متناسب داشته باشد و هم طرح خدمت متناسب، مورد ۲۰ طرح رشد و مورد ۳ طرح خدمت اوست.

لذا نکته ای که در دوران رشد کسانی که این «تیپ تخصصی» را بر می‌گزینند مهم است، به دست آوردن رشدی جامع است. طبعاً در این طرح ادعای تأمین رشد جامع لازم و واجب برای این «هویت تخصصی» نمی‌شود، ولی تلاش شده تا این دوره خود را به دالان تربیتی و الگوی پرورش چنین شخصیت‌هایی نزدیک کند. در باب جامعیت نیز تأمین همه ابعاد لازم کار سهلی نیست، ولی در این دوره تلاش می‌شود تا بخش خوبی از جامعیت، مخصوصاً جامعیت علمی تأمین شود.

در این طرح علاوه بر ارائه برنامه‌ای که علوم معقول و منقول را پوشش بدهد، به عنصر «اندیشه» نیز عطف توجه شده است و علاوه بر معرفی کامل آن - که همیشه مقام معظم رهبری آن را کنار دانش و به عنوان عنصری مهمتر از دانش یاد می‌کنند و برای مخاطب به خوبی مفهوم نمی‌شود - بستری برای رشد در آن حوزه نیز تدبیر شده است.

مؤسسه فرهنگ و تمدن توحیدی معتقد است که وظیفه‌ی میراث علمی حوزوی ما پشتیبانی نظری از یک زیست متمدنی و تمدنی به عنوان حیات انقلابی است که به واسطه انقلاب اسلامی در اختیار ما قرار گرفت، ولی متأسفانه نهضت امام خمینی ره با معضل بزرگی مواجه بود و آن پشتیبانی کافی نکردن دانش‌های موجود از قیام حضرت امام بود. با توجه به سطح رویارویی و نیاز نهضت به پشتیبانی، لازم بود از انواع پشتیبانی‌ها برای توفیق این نهضت مدد گرفته شود و در این میان، نقش دانش برای پیشبرد و پیروزی نهضت، اختصاصی و جدی است؛ آن نقطه‌ای که حضرت امام ایستاده بود و می‌خواست پرچم قیام را بلند کند فاصله زیادی با کرانه‌های دانش‌های مرسوم حوزه داشت. دانش‌ها درجایی ایستاده بودند و امام خمینی در منطقه‌ای بسیار جلوتر از موقف دانش‌های اسلامی، در دل واقعیت‌های تلخ و دشوار آن روز، عملیاتی را برضد هجمه‌های گسترده، متنوع و پیچیده مستکبران عالم علیه دین مبین اسلام و سعادت دنیایی و آخروی بشر تعریف کرده بود. نه فقه مصطلح و نه فلسفه و اخلاق مصطلح برای اداره انقلاب کافی نبودند و نیستند. زمانی که امام خمینی رحمه‌الله‌علیه قیام کرد، هرچند که کاملاً به این دانش‌ها متکی بود و خود او می‌فرمود: زیر سایه فقه مبارزه کنید؛ ولی این دانش‌ها مسیری را که نهضت باید در پیش می‌گرفت، برای او روشن نکرده بودند. یعنی علوم مبارک حوزوی به پیش می‌آمدند ولی در نقطه‌ای می‌ایستادند که آن نقطه با نقطه اقدام حضرت امام فاصله کمی نداشت و یک خلاء جدی را رقم می‌زد.

نکته بسیار مهم و راهبردی این است که با وجود این خلاء نظری، انقلاب با انضباط کامل پیش رفت؛ درحالی‌که دانش‌ها پشتیبان پیشبرد انقلاب نبودند، امام خمینی بسیار جلوتر از دانش‌های اسلامی عملیاتی را تعریف کرد و عملیات او پیروز هم شد. این انقلاب با انضباط کامل پیش رفت و هرماه و هرسال با متانت و استواری مثال‌زدنی، فاصله خود را تا مقصد اعلام‌شده کم کرد تا در نهایت پیروز شد و همان‌گونه که اسلامی بود، اسلامی باقی ماند. برای آشنایان با طبع و منطق تحولات اجتماعی روشن است که این مایه انضباط در یک حرکت بزرگ اجتماعی، تنها می‌تواند در اندیشه‌ای استوار ریشه داشته باشد، هم‌چنین این پاسخ‌گویی، مرزشکنی و روحیه تهاجمی در این حرکت، تنها می‌تواند در قوت اندیشه آن ریشه داشته باشد. نتیجه اینکه، انقلاب اسلامی ایران با وجود خلاء نظری، یعنی خلاء دانشی، به اندیشه‌ای نیرومند نیاز داشت تا جامعه مستعد ایران اسلامی را از دل سال‌ها سرخوردگی و تأثیرپذیری از فرهنگ و تمدن غرب، از زیر چکمه نظام سلطه و استکبار جهانی درآورد و در دل ناباوری‌ها و حتی مخالفت‌های فرزندان اسلام به پیش ببرد و در برابر بهت جهانیان به پیروزی قطعی برساند. آن اندیشه چیزی جز اندیشه نیرومند امام خمینی نبوده است. بدون دانستن تفاوت اندیشه و دانش، نمی‌توان برای رشد انقلاب گامی برداشت. با تکیه بر دانش، به‌تنهایی، نمی‌توان یک حرکت بزرگ جهانی و تمدنی را اداره کرد؛ زیرا دستیابی به

دانش، نیازمند اندیشه است؛ بی‌گمان، باید پشتیبانی نظری داشته باشیم، اما اگر دانش نبود، می‌توان با قدم پیشین دانش، یعنی اندیشه نیز رو به جلو حرکت کرد.

لذا علاوه بر جامعیت دانشی، یک عنصر مهم دیگر به نام اندیشه نیز به برنامه تحصیلی طلاب دوره برای تأمین جامعیت علمی و بالا رفتن امید به اینکه خروجی دستگاه تعلیم و تربیت بتواند به نیازهای عینی اجتماعی متصل و به آن‌ها پاسخ بدهد؛ اضافه شده است. برای تأمین این بخش سرفصلی تحت عنوان کلام انقلابی به دوره افزوده شده است که توضیحات آن خواهد آمد.

همچنین برای رشد اخلاقی و اجتماعی و ... نیز برنامه‌هایی طراحی شده است که به این طرح اضافه خواهند شد. حداقل برنامه‌ها یک رسیدگی عمومی خواهد بود.

هدف از برنامه فقه در سطوح عالی مؤسسه این است که طلبه علاوه بر دیدن دروس مرسوم سطوح عالی حوزه که با محوریت کتاب مکاسب است، توانایی لازم در جهت تحلیل و استنباط فقهی با رویکرد حکومتی را از دریچه شناخت نقاط اساسی فقاہت، تسلط بر سیر تاریخی مسائل و روش‌ها، و همچنین آشنایی مناسب با فقه حکومتی، بدست آورد.

علاوه بر این، مهارت‌ها و آشنایی‌هایی که برای کار فقهی مؤثر مورد نیاز طلاب هست نیز در جلساتی روزانه و همچنین در ظرف برنامه تابستانی به ایشان ارائه می‌شود. از جمله این موارد :

- توانمندی‌های رجالی و حدیثی
- قواعد فقهی
- تاریخ فقه و فقاہت
- آشنایی با جریان‌های فقهی جهان اسلام
- مهارت استفاده از نرم‌افزارهای مربوط

در امتداد همین جلسات و با توجه به موضوعات مهم مطرح شده، به صورت هفتگی یا دو هفته یکبار نشستی با حضور استاد مهمان برگزار می‌شود.

اصول

هدف از برنامه اصول سطوح عالی مؤسسه آشنایی مؤثر طلاب با مکتب اصولی نجف و قم است. اصول در مکتب نجف با ورود فلسفه صدر احوال و هوای متفاوتی پیدا کرد، فهم‌های هستی‌شناسانه صدرایی مستقیماً به عالم اصول که عالم تجزیه و تحلیل اعتبارات شرعی و استنباط قواعد کلی برای انضباط دادن به فقه است وارد شد. مکتب نجف در عین بی‌مهری حاصل شده به فلسفه و همه اشکال روشنفکر مآبی از فلسفه متأثر است و با فهم نه چندان عمیقی از حکمت اسلامی گرایش اصولی خاصی را رقم زده است.

افراد شاخص مکتب اصولی نجف حضرات آیات آخوند خراسانی، نائینی، اصفهانی، آقاضیاء عراقی، خوئی و شهید صدر هستند، از آنجا که شهید صدر نقطه اوج مکتب اصولی نجف محسوب می‌شود و مهم‌ترین اثر اصولی ایشان کتاب حلقات می‌باشد، محور برنامه اصولی مؤسسه در بخش اصول مکتب نجف، کتاب حلقات قرار گرفته است. ابتدا از تابستان اول و نیمسال اول سال اول حلقه ثانیه ارائه خواهد شد و از نیمسال دوم سال اول حلقه ثالثه آغاز خواهد شد.

مکتب اصولی قم با محوریت امثال امام خمینی و علامه طباطبایی و آیت‌الله بروجردی و شیخ عبدالکریم حائری منتقد مکتب نجف است و مسیر دیگری را پیش روی محققان می‌گشاید.

حضرت امام خمینی با تسلط کامل بر حکمت صدرایی و حتی عرفان اسلامی با اصل اینکه باید یک عقلانیتی اصول را انتظام بدهد تا جدلی نشود همراه است، ولی به نحوه استفاده از حکمت متعالیه در انتظام بخشی به دانش اصول در مکتب نجف انتقاد دارد؛ مهم‌ترین انتقاد نیز از عدم شناخت حقایق و موجوداتی است که مربوط به عالم اعتبارات انسانی که در دل آن اعتبارات شرعی نیز قرار دارد.

از آنجا که نقطه اوج مکتب اصولی قم حضرت امام خمینی «ره» هستند، محور برنامه اصول مکتب قم دو کتاب «مناهج الوصول» و «انوار الهدایه» امام خمینی «ره» است.

برخی مهارتها و نگاه‌های درجه ۲ اصولی در برنامه فشرده تابستانی و همچنین در ظرفیت روزانه‌ای که با عنوان "افزونه" تعریف شده، بصورت متناوب با برنامه‌های فقه ارائه خواهد شد، از جمله:

- تاریخ علم اصول
- مقارنه با اصول اهل سنت
- مقارنه با مباحث غربی نظیر هرمنوتیک
- پشتوانه‌های حکمی تحلیل‌های اصولی

ظرفیتی که تحت عنوان "نشست‌ها" ذیل برنامه فقهی مطرح شد، بصورت متناوب و با توجه به مباحث جلسات افزونه در اختیار برنامه اصول نیز قرار می‌گیرد.

لذا برنامه فقهی اصولی به شکل زیر خواهد شد :

سال	درس اصلی فقه	درس اصلی اصول	مباحث درجه ۲	مصاحبه‌های علمی	نشست‌های علمی پنج‌شنبه‌ها
پایه ۷	مکاسب (محرمه)	حلقه ثانیه / حلقه ثالثه شهید صدر	۲ روز در هفته	۲ روز در هفته	یک هفته نشست فقهی و یک هفته اصولی
پایه ۸	مکاسب (بیع)	حلقه ثالثه شهید صدر	۲ روز در هفته	۲ روز در هفته	یک هفته نشست فقهی و یک هفته اصولی
پایه ۹	مکاسب (خيارات)	حلقه ثالثه شهید صدر	۲ روز در هفته	۲ روز در هفته	یک هفته نشست فقهی و یک هفته اصولی
پایه ۱۰	ولایت فقیه از کتاب البیع امام خمینی / شروع فقه حکومتی	مناهج الوصول امام خمینی	۲ روز در هفته	۲ روز در هفته	یک هفته نشست فقهی و یک هفته اصولی
تمهید خارج	تکمیل فقه حکومتی	انوار الهدایه امام خمینی	۲ روز در هفته	۲ روز در هفته	یک هفته نشست فقهی و یک هفته اصولی

حکمت

یکی از ویژگی‌های انقلاب الهی امام خمینی تکیه آن بر سرمایه تاریخی شیعه اعم از فرهنگ و هویت افتخارآمیز آن و فکر و دانش دینی و اسلامی آن است. بی‌تردید بهره‌مندی از این هویت غنی است که انقلاب اسلامی را صاحب سخنی نو و نیرومند نموده است. استحکام ابدی این انقلاب در گرو تغذیه دائمی از این دارائی‌ها و دانش‌ها و توسعه و غنی‌سازی این تراث است. در شمار این سرمایه‌هایی که باید به خوبی آن را احراز کرد و آن را امتداد بخشید حکمت متعالیه اسلامی است. حضرت امام رحمه‌الله‌تعالی و مقام معظم رهبری حفظه‌الله‌تعالی و دیگر معماران عالی‌قدر انقلاب اسلامی همگی بر این مهم تأکید ورزیده‌اند و مطالبه‌های پراصرار و پرتکراری در این باره داشته‌اند.

به عبارت روشن‌تر یکی از دغدغه‌های قطعی انقلابی ما مقوله «احراز تراث» و مقوله «امتداد حکمت» است. نیاز انقلاب به تکیه‌گاه فکری و پشتیبانی دانشی قطعی است. به همین جهت باید در باب «تجمیع و تغذیه سرمایه علمی جهان تشیع» اطمینان حاصل کرد.

یکی از مشکلاتی که در پشتیبانی دانشی از انقلاب اسلامی داریم روایت‌های ضعیف از فلسفه اسلامی، عرفان اسلامی و حتی دیگر دانش‌ها است. در دانش‌های اصول و فقه نیز نیازمندیم که «اوج‌ها» به خوبی تفریر شود.

توقعات یک انقلابی از دانش توقعات عمیق و پراصراری است. تحقق این مهم در گرو تربیت زیرساختی نیروهایی است که سرمایه حکمی را نیز به خوبی تحصیل کنند و بر امتدادبخشی آن توانا باشند.

دوره آموزشی سطح عالی مؤسسه مؤسسه فرهنگ و تمدن توحیدی علاقه‌مند است در جهت تأمین معارف حکمی و عرفانی در میدان این ضرورت گام بردارد.

در این راستا برنامه حکمی سطوح عالی به شکل زیر خواهد بود:

سال	درس اصلی	درس جنبی
پایه ۷	بدایه الحکمه (شنبه تا پنجشنبه)	آشنایی با فلسفه (تابستان اول)
پایه ۸	نهایه الحکمه	تاریخ فلسفه (تابستان دوم)
پایه ۹	نهایه الحکمه	فلسفه فلسفه (طول سال در ظرفیت درجه ۲) اشارات نمط ۳ (تابستان سوم)
پایه ۱۰	نهایه الحکمه + تکمله نهایه (بحث نفس)	اسلامیت فلسفه اسلامی در بستر تاریخ (طول سال در ظرفیت درجه ۲) + (تابستان چهارم)
تمهید خارج	مبانی و اصول عرفان نظری	فص آدمی فصوص الحکم (تابستان پنجم)

راه طلبه

همانطور که در ابتدای این متن توضیح داده شده، مؤسسه بر اساس مأموریتی نسبت به حرکت اسلامی معاصر ما یعنی انقلاب عظیم اسلامی ایران خود را تعریف کرده است، و بر اساس مأموریتی که در راستای حرکت تمدنی انقلاب اسلامی برای خود برگزیده است، به یک تیپ تخصصی حوزوی رسیده است و اساساً دالان تربیتی خود را برای تربیت این نیروها تعریف کرده است. در همین راستا از همان ابتدا متون مأموریتی که این هویت طلبگی پیشنهادی را به خوبی حلاجی می‌کند، را به صورت یک کلاس روزانه با طلاب مباحثه می‌کند تا ادامه این مسیر طلبگی پیشنهادی موجه و مبین باشد.

لذا سال اول (پایه ۷) درسی با عنوان «راه طلبه» تعریف شده است که کارویژه‌ی آن، همین مباحثه مأموریتی و هویت طلبگی پیشنهادی است. در این برنامه سه جزوه درون سازمانی با عنوان «طلبگی مطلوب»: «مختصات تعلیم و تربیت فتوت» و «رسالت گفتمان سازی مکتب امام ره» ارائه می‌گردد.

کلام انقلابی

هر حرکتی مخصوصاً اگر یک حرکت اجتماعی باشد و بالاخص اگر در اندازه‌های یک انقلاب در دوران حاکمیت طواغیت شرق و غرب بر عالم باشد؛ نیازمند به پشتیبانی نظری است.

اندیشه پشتیبان انقلاب اسلامی ایران مکتب تابناک امام ره بود. مکتب امام از همه دارایی‌های دانشی و معنوی شیعه و همه تجربیات معاصر مثل شکست مشروطه و ملی شدن صنعت نفت و ... و مدرسه فخر آیت الله شاه آبادی تغذیه کرده تا توانسته به پشتیبانی انقلاب بزرگ اسلامی ایران برخیزد.

متأسفانه در فضای حوزه علمیه فقط دانش‌ها رصد و ارزشمند و در مسیر تعلیم و تعلم قرار می‌گیرند، در حالی که پدیده شگرفی به نام اندیشه که درست است که از دانش‌ها تغذیه کرده است، ولی طراوت و شادابی پشتیبانی گفتمانی از زیست مرفی شیعی به سمت تمدن اسلامی را دارا می‌باشد؛ رصد و ارزشمند شمرده نمی‌شود و لذا در مسیر تعلیم و تعلم نیز قرار نمی‌گیرد.

مؤسسه فرهنگ و تمدن توحیدی با رصد و ارزشمند شمردن لایه اندیشه، دوره ای به نام دوره «کلام انقلابی» تعریف کرده است که کارویژه آن پرورش اندیشه و عقلانیت اسلامی - انقلابی با محوریت مکتب امام است.

این دوره خود را موظف می‌داند که نگاه خویش را به ذهن جامعه انقلابی ایران اسلامی بدوزد و دغدغه جوهری خویش را معماری ذهن برتر اسلامی - انقلابی و تربیت اعتقادی مبتنی بر آن قرار دهد. به دنبال آن است که تقریری توحیدی از مفاهیم زندگی‌ساز حیات انقلابی به صورت متماسک (نظام‌وار)، انضمامی (عینیت‌گرا) و اصیل (قرآنی) ارائه نماید.

دوره کلام انقلابی در سه مرحله ۱. تغذیه اولیه، ۲. گفتمان جامع و ۳. گفتمان پیشرفت سامان می‌پذیرد و نوبت به مرحله (۴) که مرحله «حل مسئله و پشتیبانی گفتمانی» است، می‌رسد.

الف. تغذیه اولیه

هدف از این مرحله زمینه‌سازی تجربه حضور در فضای نظری نمونه‌های برجسته کلام انقلابی و ایجاد فرصت تأمل و دیدن اختصاصات این نگاه و تفاوت‌های آن با نگاه‌های کلامی مرسوم و تغذیه از مسائل و معارف طرح شده در این منابع، درگیر شدن با مباحث کتاب و بسط معنایی آن با طرح سؤال یا اشکال و بررسی‌های ابتدایی درباره آن، برخی امتدادهای نظری و تجربه پیوند بحث‌های طرح شده با دیگر موضوعات اطلس اندیشه اسلامی و ... همچنین فراهم نمودن فرصت تعمیق نگاه‌های درجه دوم به پویای «کلام انقلابی» می‌باشد.

باور ماست که مکتب امام اکسیر اعظم و کبریت احمر عصر ماست. امروز انقلابی‌گری معنای سخت و صعبی پیدا کرده است. امروز نه هر افراطی و نه هر تفریطی انقلابی‌گری نیست. این چارچوب سازی‌های رسانه ای هستند که معنای مورد نظرشان در باب انقلابی‌گری را به ما تحمیل می‌کنند و نه آن معنای حقیقی انقلابی‌گری. فقدان بصیرت و تحیر و سرگردانی جز دوری هر چه بیشتر از مدار انقلاب رهاورد دیگری برای ما ندارد.

اگر ما می‌خواهیم عاملیتها و فعالیت‌هایمان را به سود انقلاب رقم بزنیم لازم است در مدار انقلاب قرار بگیریم؛ برای آنکه در مدار انقلاب قرار بگیریم لازم است درکی اصیل و عمیق و گسترده از مکتب امام کسب کنیم. پس از فهم، مسئله باور، ایمان و تعهدی ویژه به آنچه که شناخته ایم و درک کرده ایم مطرح می‌شود. بعد از آن نوبت به عمل می‌رسد و هر عصر و زمانه‌ای عمل صالح متناسب با خودش را می‌خواهد.

اگر چه هدف از ارسال رسل اقامه قسط توسط ناس و مردم بیان شده^۱ و این مردم هستند که حقیقتاً بایستی قسط را اقامه کنند اما بایستی توجه داشت که عرصه قیام و نهضت همواره قوامین و علمداران و شهدایی را داشته که وظیفه خطیر راهبری، هدایت و در نهایت اتمام حجت را بر عباد خداوند را داشته اند.

حضرت امیر علیه السلام در بیان شیوای خود معیارهایی دقیق و عزیز برای رسیدن به این مرتبت ذکر می‌کنند:

«وَلَا يَحْمِلُ هَذَا الْعِلْمَ إِلَّا أَهْلُ الْبَصْرِ وَالصَّبْرِ؛ وَالْعِلْمُ بِمَوَاقِعِ [بِمَوَاضِعِ] الْحَقِّ؛ فَاْمُضُوا لِمَا تُوْمَرُونَ بِهِ وَ قِفُوا عِنْدَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ وَ لَا تَعْجَلُوا فِي أَمْرِ حَتَّى تَتَّبِنُوا فَإِنَّ لَنَا مَعَ كُلِّ أَمْرٍ تُتَكْرَمُ بِهِ غَيْرًا»^۲

حضرت در این بیان بصیرت (شناخت میدان و واقعیت‌های صحنه)، علم به مواضع حق (داشتن اندیشه و معرفت اسلامی) و تبعیت از اوامر و نواهی (معیت در طرح و نقشه و دستورات ولی) را در بستر صبر و پایداری سرّ فضیلت علمداری بیان می‌کنند.

اگر ما بخواهیم که مکتب امام به گفتمانی قطعی در بین مردم ایران و بلکه منطقه تبدیل شود، یقیناً کسانی بایستی مسئولیت خطیر علمداری و طلایه داری این مهم را بر عهده بگیرند و بر اساس بیان نورانی حضرت امیر علیه السلام سه ضلع اندیشه و علم اسلامی، بصیرت و شناخت میدان و فهم و شناخت فرمان ولی جامعه لوازم قطعی فضیلت علمداری است. سه ضلع (اندیشه، میدان، فرمان) را مثلث شناخت و آگاهی عنوان داده ایم.

اندیشه / شناخت و فهم: «الْعِلْمُ بِمَوَاضِعِ الْحَقِّ»

میدان / آگاهی و بصیرت: «البصر»

فرمان / هدایت: «فَاْمُضُوا لِمَا تُوْمَرُونَ بِهِ وَ قِفُوا عِنْدَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ وَ لَا تَعْجَلُوا فِي أَمْرِ حَتَّى تَتَّبِنُوا»

اندیشه

اندیشه اسلامی امروز ما که تغذیه کننده حیات اجتماعی نوین ماست از چند لایه نظری برخوردار است که به نظر می‌رسد نارساییها در همه این لایه‌ها توزیع شده است و هر نارسایی اثر مخصوص خود را نشان می‌دهد و زهر خود را می‌ریزد.

ما در بررسی‌هایی که داشتیم دسته بندی ذیل را پیشنهاد می‌کنیم:

۱. لایه اندیشه توحیدی

۲. لایه اندیشه اجتماعی

۳. لایه اندیشه راهبردی

ما با بسط این نگاه می‌توانیم قدری روشنتر، دقیقتر و کارا تر سراغ تحلیل وضعیت نظری امروز برویم.

^۱ لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ (حدید/آیه ۱۶)

^۲ نهج البلاغه (للصّبحی صالح)، ص: ۲۴۸

فرمان

در زمان ما والی جامعه ولی فقیه است. اگر اعتقاد به ولی فقیه نباشد که اساساً مشکل اعتقادی پیش آمده است. اما پس از اعتقاد به ولایت فقیه و حتی شخص ولی فقیه، ممکن است مشکل دیگری نیز پدید بیاید: نفهمیدن عمق واقعیت «ولایت فقیه» و نفهمیدن اندیشه، تدبیر و اقدامات ولی فقیه؛ این دو نارسایی و دو معضل واقعاً خسارت‌زا، آسیب‌زا و طبعاً خطرناک است. سرّ ناآمدگی جامعه اسلامی نیز همین است والا با همین میزان سرمایه انسانی که در ایران و جوامع اسلامی به چشم می‌خورد و آماده فداکاری در راه حق هستند می‌شد جریان اصلاحی جهانی به راه انداخت و حق را بر کرسی حکومت جهانی نشاند.

ما معتقدیم شکوفایی واقعی زندگی انسانی و امدار ظهور و حضور امام زمان «عج» است. همه می‌دانیم که مشکل ظهور امام غایب خود ما هستیم و این همان ناآمدگی جامعه اسلامی برای پذیرش هدایت مترقی الهی است.

علی ای حال موانع متعددی برای درک رهبری هست که مسلماً یکی از آنها در افق نظری و بینشی مشترک با ایشان قرار نداشتن و دیگری برای ایشان وقت و حساب ویژه کنار نگذاشتن و به سخنان و اعمال ایشان به اندازه کافی نیاندیشیدن، است.

به طور خلاصه مؤلفه‌های فرمان را می‌توان موارد ذیل بر شمرد:

۱- تحلیل‌های راهبردی رهبری

۲- طرح راهبردی رهبری

۳- تحلیل عملکردهای راهبردی رهبری

میدان

درک واقعیت انقلاب و عینیت توفنده جاری که عصر جدیدی را پدید آورده و مشغول ویرایش حیات بشری و چالش با نظام سلطه طولانی استکباری معاصر است از ضرورت‌های امروز ماست.

اگر از روند انقلاب و تطوراتی که داشته و اموری را که جابجا کرده و ضربه‌هایی که خورده و علل آنها و عاملین آنها و نتیجه طرز نگاهها و ... تحلیل واضح نداشته باشیم بسیاری از حوادث امروز و صف بندیهای موجود را هم به درستی درک نمی‌کنیم. اگر درکی روشن‌بینانه و کل نگر و البته وصل به عینیت از تهدیدهای امروز و فردای نهضت و هندسه و آرایش آنها، و فرصت‌های آن و ضرورت‌هایی که متوجه آن است، نداشته باشیم توان تدبیرهای راهبردی نیز نخواهیم داشت.

اگر ما نیروهای انقلاب این زحمتهای را به جان نخریم و به بهانه مردمی بودن و در صحنه بودن (که به جای خود، دغدغه‌ها، بلکه راهبردها و حتی معیارهای فاخر و لازمی است) از زیر آن شانه خالی کنیم، این ضعف در گستره این انقلاب مظلوم از هیچ طریقی تأمین نخواهد شد.

اکنون با این ضعف مواجهیم و فقدان تحلیل‌های جامع، واقع‌بینانه و انقلابی توان هدایت ظرفیتهای عظیم اجتماعی را حتی از نخبگان گرفته است.

مؤلفه‌های میدان را می‌توان موارد ذیل بر شمرد:

۱- روندپژوهی تطورات انقلاب اسلامی

۲- هندسه تهدیدهای راهبردی انقلاب اسلامی

۳- ضرورت‌های راهبردی انقلاب

ب. استقرار در افق گفتمان جامع انقلابی

یکی از نقائص ذهنی جامعه انقلابی ایران اسلامی و حتی نیروهای حزب‌اللهی تبدیل شدن آن به انباری از خطوط اعتقادی نامفهوم و واگرا با افتادگیها و تاریکی‌های بسیار است.

گفتمان جامع از یک طرف به سیر لمی اندیشه اسلامی تا سرصحنه نیازها نگاه دارد و سعی می‌کند از مهمترین بحث‌های هویت‌ساز اسلامی - شیعی غفلت نکند، از طرف دیگر نیز به عطش‌های سرصحنه و درگیریهای مهمی که اکنون نقش گره‌های زندگی انقلابی جامعه مسلمان ما را بازی می‌کند می‌پردازد، ولی در مجموع دغدغه پایه این است که عمده عناصر اصلی اندیشه اسلامی - انقلابی دیده شود و در نسبت با هم جانمایی نسبی صورت بگیرد.

در نتیجه آشنایی با مهمترین موضوعات فکری این روزها، آشنایی با پاسخ‌های موجود در صحنه و زدن ایده‌های اولیه و جستن ربطها و پیوندهای بحثها با هم و سودمندبها و آثار و وزن راهبردی هر یک از این موضوعات نیز جزء دغدغه‌های این مرحله است.

محصول این مرحله ترسیم یک شاکله اولیه از گفتمان جامع اسلامی - انقلابی فعال و پاسخگو بدون دقت در خطوط خرد و بدون مطالبه مستندات و ادله کافی است.

ج. مکتب اجتماعی امام خمینی رحمه الله علیه

سرمایه‌گذاری نظری خوب و مستوفی روی بنیادهای اصلی گفتمان فعال انقلابی، پرداخت نظری ایده مادر در مکتب سیاسی - اجتماعی امام خمینی رحمه الله علیه (به عنوان مصداق پیشرفته و پیچیده‌ای از اندیشه اسلامی در روزگار ما) و ایده‌های تمدنی ذیل ایده مادر، حلاجی کامل گفتمان پیشرفت و هویت اسلامی - انقلابی ناب در این زمینه،^۱ ارزیابی فاصله‌های ذهن جامعه از موقف اندیشه پیشرفت اسلامی - ایرانی و ...

خروجی این مرحله درک جامع و منسجمی از اصل و امتداد امروزی اندیشه اجتماعی و مکتب سیاسی امام خمینی رحمه الله علیه از یک طرف و عطش‌های اجتماعی ناظر به این گفتمان از طرف دیگر خواهد بود.

د. حل مسأله و پشتیبانی گفتمانی

نهایتاً با تأمین گفتمان توحید و گفتمان پیشرفت و آشنایی با منابع و مأخذ فکر اسلامی - انقلابی و انس اعضای حلقه با این مباحث و حاصل آمدن مهارت‌های متنوع پژوهشی و پردازش اندیشه، نوبت ورودهای جدی حلقه در قالب تیم‌های کاری به موضوعات گفتمانی مورد نیاز نهضت، نظام و جامعه اسلامی خواهد بود.

^۱ همه سخنان تحول‌آفرین و تفاوت‌ساز اسلامی باید خود را دل اندیشه و الگوی پیشرفت اسلامی - انقلابی به صحنه نزدیک کند و بر حیات اجتماعی امروز سایه بگستراند. نبض این الگو و نظریه‌های پشتیبان آن در اصل باید در دست نگرشها و تخصص‌های حوزوی باشد. کلام انقلابی زمزمه اصلی و محتوای گفتمانی این ورودهای تخصصی را استفاده کرده، آن را در مسیر تبدیل شدن به گفتمان جامعه می‌اندازد.

در این مرحله نیز کماکان حلقه اصلی به صورت روزانه جلسه خواهد داشت و رصدی از کرانه‌های فکری این تیم‌ها خواهد نمود و آنگیز دانایی اعضای حلقه و نقطه تلیق رهیافتها و نگرشهای نوآمد ایشان و چشمه خلق ایده‌های راهگشا با توان جمعی در فضای کلان یا در امتداد هر یک از محورها خواهد شد.

برنامه کلام انقلابی

از سال دوم (پایه ۸) برنامه کلام انقلابی به صورت یک درس روزانه جایگزین درس راه طلبه می شود. پایه ۸ تا تمهیدی خارج به مدت ۴ سال دو بخش الف و ب یعنی تغذیه اولیه و استقرار در افق گفتمان جامع انقلابی طی می شود، و دو گام ج و د یعنی مکتب اجتماعی امام خمینی (ره) و حل مسئله و پشتیبانی گفتمانی در مقطع بعدی تحصیلاتی در مقطع تخصصی و درس خارج پیگیری می شود.

پایه	برنامه
پایه ۷	راه طلبه
پایه ۸	تغذیه اولیه (در قالب کلاس درس روزانه)
پایه ۹	تغذیه اولیه (در قالب کلاس درس روزانه)
پایه ۱۰	استقرار در افق گفتمان جامع انقلابی (در قالب کلاس درس روزانه)
تمهید خارج	استقرار در افق گفتمان جامع انقلابی (در قالب کلاس درس روزانه)



ارتباط با مؤسسه

قم - بلوار جمهوری اسلامی - میدان سپاه - بلوار شهید اخلاقی - شماره ۱۲ مؤسسه
فرهنگ و تمدن توحیدی - معاونت تعلیم و تربیت

تلفن: ۰۲۵۳۲۹۴۴۷۱۶ - ۰۲۵۳۲۹۴۴۷۰۳

آدرس کانال ایتا: @fvtt_ir

